



Maritime Trade and Economy relying on Nile River in time of Fatimids

Hamidreza Verdi¹ Mohammad Valipoor²

1. Assistant professor of Theology, history and civilization of Islamic nations, Farhangian University, Tehran , Iran. Email: verdi@cfu.ac.ir
2. Assistant professor of Theology, history and civilization of Islamic nations, Farhangian University, Tehran , Iran. Email: m.valipoor@cfu.ac.ir

Abstract:

Fatimids were a Shia government that settled in North Africa and after developing their political, cultural and military power, they added Egypt to their possessions. The main purpose of writing this article is to examine the economy based on maritime trade as well as agriculture and economy relying on the Nile river and its effect on the stable economy of Fatimid government for more than two and a half centuries from 297 to 567 A. H. The main purpose of the research is whether the Fatimids' maritime trade had any effects on the economic prosperity and consequently benefiting from a stable economy. The article has been written through the descriptive, qualitative, explanatory method of research relying on the documents and library sources. The result of the research indicates that the Fatimids benefited from a flourishing, powerful economy based on trading in the Mediterranean region, the Red Sea and the Nile with neighbors as well as with India and the Far East in order to achieve a stable economy that is the necessity of economic, political, and military social and cultural development.

Keywords: Fatimids, Nile River, maritime trade, economic history.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: *Received* October 9, 2020

Received in revised form January 7, 2021

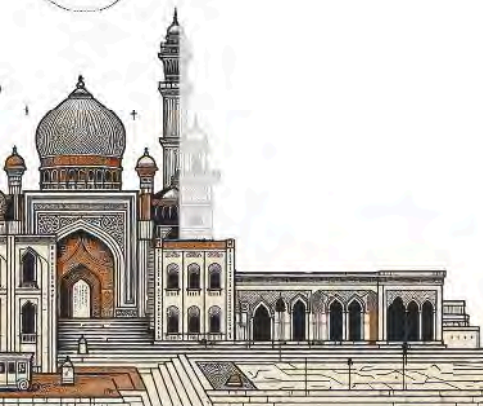
Accepted January 14, 2021

Published online December 30, 2023

Cite this article:

Verdi, H.R., Valipoor, M. (2023). Maritime Trade and Economy relying on Nile River in time of Fatimids. *History of Islam*, 24(4), 121-148. <https://doi.org/10.22081/hiq.2021.59022.2095>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Bagher Al-Olum University



ISSN
2783-414X



التجارة البحرية و اقتصاد الدولة الفاطمية المتكوى على نهر النيل

حميد رضا وردى^١ محمد ولي پور^٢

١. استاذ مساعد في اختصاص الإلهيات و المعارف الإسلامية، قسم التاريخ و الحضارة الإسلامية، جامعة فرهنگيان، تهران، إيران. البريد الإلكتروني: verdi@cfu.ac.ir
٢. استاذ مساعد في اختصاص الإلهيات و المعارف الإسلامية، قسم التاريخ و الحضارة الإسلامية، جامعة فرهنگيان، تهران، إيران. البريد الإلكتروني: m.valipoor@cfu.ac.ir

الملخص:

الدولة الفاطمية، هي الدولة الشيعية التي كانت واقعة شمال أفريقيا، و بعد توسع نفوذها السياسي، الثقافي و النظامي، قامت بإلحاق مصر تحت سلطتها. الهدف الأصلي في هذه المقالة هو تحليل الاقتصاد المبني على التجارة البحرية لا سيما نهر النيل بالإضافة إلى الزراعة، و تأثير ذلك على دوام الحكومة الفاطمية لمدة تزيد عن قرنين و نصف قرن، أي من عام ٢٩٧ حتى عام ٥٦٧ للهجرة. المسألة الأصلية في هذه المقالة هي، هل كانت التجارة البحرية الفاطمية مزدهرة؟ و نتيجة لذلك الاستفادة من الاقتصاد النامي، هل كان له تأثير أو لا؟ في هذه المقالة تم الاستناد على المنهج الوصفي التبييني، و تمت مراجعة المكتبات و التدقيق بالوثائق و المصادر المعتمدة بالإضافة إلى تحليلها و تفسيرها. تشير نتائج هذا البحث إلى أن الدولة الفاطمية تميّزت باقتصاد مزدهر و قوي و مبني على التجارة على مستوى البحر المتوسط، البحر الأحمر و نهر النيل، بالإضافة إلى الهند و الشرق الأدنى، و ذلك بهدف الحصول على اقتصاد مزدهر، و الذي يؤدي إلى مكاسب أعم من الاقتصادية و تشمل السياسية، العسكرية، الإجتماعية، و الثقافية.

الكلمات المفتاحية: الفاطميون، نهر النيل، التجارة البحرية، التاريخ الاقتصادي.

اطلاعات المقالة:

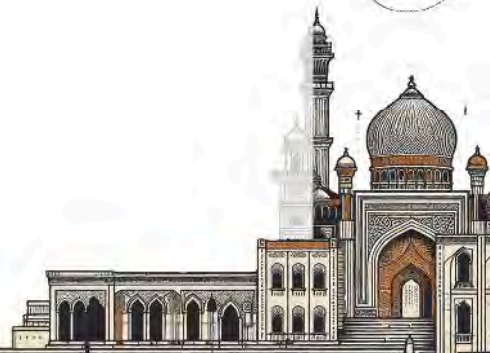
نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/١٠/٠٩ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢١/٠٧/٠٧ | تاريخ القبول: ٢٠٢١/٠٧/١٤ | تاريخ النشر: ٢٠٢٣/١٢/٣٠

استشهاد به هذا المقال:

وردى، حميدرضا؛ ولي پور، محمد (٢٠٢٣). التجارة البحرية و اقتصاد الدولة الفاطمية المتكوى على نهر النيل. تاريخ الإسلام. ٢٤(٤). ١٢١-١٤٨. <https://doi.org/10.22081/hq.2021.59022.2095>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





تجارت دریایی و اقتصاد متکی بر رود نیل دولت فاطمی

حمید رضا وردی^۱ محمد ولی پور^۲

۱. استادیار، رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
رایانامه: verdi@cfu.ac.ir

۲. استادیار، رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
رایانامه: m.valipoor@cfu.ac.ir

تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و ششم، دی ۱۴۰۲

چکیده:

فاطمیان، دولتی شیعی بودند که در شمال آفریقا استقرار یافتند و پس از توسعه قدرت سیاسی، فرهنگی و نظامی خود، مصر را نیز به تصرفاتشان افزودند. هدف اصلی از نگارش این مقاله، بررسی اقتصاد مبتنی بر تجارت دریایی و کشاورزی و اقتصاد متکی بر رود نیل فاطمیان و تأثیر آن بر اقتصاد پایدار حکومت فاطمی برای مدتی بیش از دوونیم قرن، یعنی از ۲۹۷ تا ۵۶۷ق است. مسئله اصلی پژوهش، این است که آیا تجارت دریایی فاطمیان بر شکوفایی اقتصادی و در نتیجه، بهره‌مندی از یک اقتصاد پایدار، تأثیر داشته است یا نه؟ مقاله به روش توصیفی از نوع کیفی، تبیینی و با بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر و تحلیل و تفسیر یافته‌ها، نگاشته شده است. نتیجه پژوهش، حاکی از آن است که فاطمیان از یک اقتصاد شکوفا، قدرتمند و مبتنی بر تجارت در حوزه مدیترانه، دریای سرخ و نیل با همسایگان و نیز با هند و شرق دور به منظور دستیابی به اقتصادی پایدار که لازمه توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی است، سود برده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فاطمیان، رود نیل، تجارت دریایی، تاریخ اقتصادی.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

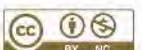
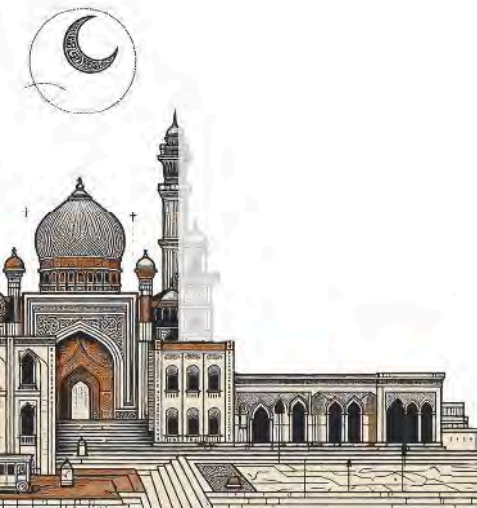
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹



استناد:

وردی، حمیدرضا؛ ولی‌پور، محمد (۱۴۰۲). تجارت دریایی و اقتصاد متکی بر رود نیل دولت فاطمی. تاریخ اسلام. ۲۴(۴). ۱۲۱-۱۴۸.
<https://doi.org/10.22081/hiq.2021.59022.2095>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۸

نویسندگان، © ناشر: دانشگاه باقر العلوم



مقدمه

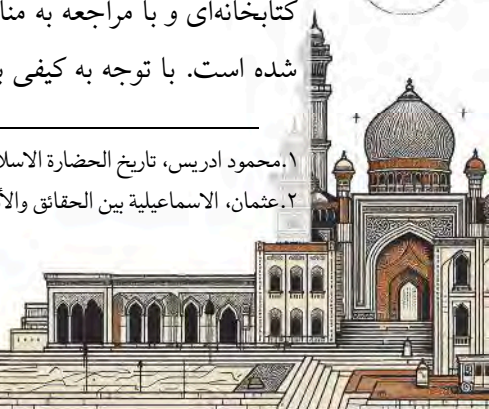
فتح مصر توسط جوهر صقلی (۳۸۱ق)، سردار فاطمیان در سال (۳۶۲ق)، نقطه آغازین ورود فاطمیان به عصر شوکت و شکوفایی تمدنی آنها در این سرزمین کهن می‌باشد. به دنبال همین فتح بود که زمینه‌های لازم برای شکوفایی اقتصاد فاطمیان در مدیترانه و نیل ایجاد شد. آنها دولت خود را که مبتنی بر عقاید اسماعیلی و جامعه‌ای متشکل از عناصر قبطی عرب و بربر بود، پایه‌ریزی نمودند.

تجارت دریایی فاطمیان در حوزه مدیترانه و رودخانه نیل، و تجارت زمینی با سودان، شام و حجاز، برقرار بود. کشاورزی آنها طبق سنت‌های گذشته، تکیه به نیل داشت و خلاقیت آنها برای مقابله با تغییرات آب نیل که در امور اقتصادی مصر بسیار مؤثر بود، با بنای شاخص نیل، حفر کانال‌ها و احداث سدهای چوبی، شکوفا شد.^۱ مدیترانه به‌عنوان بازار بزرگ تجارت دریایی، و نیل به‌عنوان مهم‌ترین عامل پایداری کشاورزی در این سرزمین و زندگی بخشی به توده مردم مصر و عاملی برای اقتدار اقتصادی حاکمان آن بوده است. بررسی وضعیت مالیات‌ها در مصر، تا حدود زیادی بیانگر این مطلب است که میزان و انواع این مالیات‌ها نیز تحت تأثیر تجارت دریایی، تغییرات آب‌وهوا و طغیان نیل بوده است؛ به طوری که در سال‌های پُر آب، بسیاری از مالیات‌ها را کاهش می‌دادند؛ درحالی که کم‌آبی، قحطی‌هایی را به دنبال داشت و منجر به افزایش مالیات می‌شد.^۲ رویکرد فاطمیان به تجارت دریایی و کشتیرانی در نیل و تأثیر آن بر بهبود وضع اقتصادی دولت فاطمی، از جمله مسائلی است که معلوم می‌دارد آنها از تمام ابزار قدرت برای توسعه و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت خویش به‌عنوان یک دولت مستقل در رویارویی با سایر قدرت‌های منطقه، از جمله: عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق)، امویان اندلس (۱۳۸-۴۲۲ق) و امپراتوری روم (۶۲۵-۱۴۵۳م) سود برده‌اند.

روش تحقیق در این مقاله، به صورت توصیفی از نوع کیفی، تبیینی با بررسی اسنادی، کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع اصلی و تحلیل و نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش تدوین شده است. با توجه به کیفی بودن پژوهش، جامعه آماری در حقیقت، همان منابع اصلی

۱. محمود ادریس، تاریخ الحضارة الاسلامية العصر الفاطمی، ص ۱۱۸.

۲. عثمان، الاسماعیلیة بين الحقائق والأباطیل، ص ۳۶۲.





نوشته شده در خصوص تمدن فاطمیان و طرح مسائل مرتبط با دریانوردی و تجارت دریایی و کشاورزی در فاصله زمانی حکومت فاطمیان بر افریقه و مصر، یعنی سال‌های ۲۹۷ تا ۵۶۷ ق می‌باشد.

بیان مسئله

بررسی تجارت فاطمیان در مصر و چگونگی برخورد آنها با مشکلات اقتصادی، اداره و توسعه نهادهای اقتصادی، وضع مالیات‌های گسترده، روابط تجاری، کشاورزی و نوآوری در این زمینه، کمک شایانی خواهد کرد تا بدانیم مسلمانان در این منطقه از جهان اسلام تا چه میزان به امور مملکت‌داری برای داشتن اقتصاد پایدار توجه داشته‌اند. سؤال اصلی پژوهش، این است که نقش اقتصاد مبتنی و متکی بر تجارت دریایی، رودخانه نیل و کشاورزی در شکوفایی فرهنگ و تمدن فاطمیان و تأثیر آن بر پایداری اقتصادی آنها، تا چه میزان بوده است؟ ضمن پرداختن به این سؤالات فرعی که تشکیلات اقتصادی فاطمیان چگونه عمل می‌کرد و تجارت دریایی فاطمیان با همسایگان و مشرق‌زمین، تا چه اندازه کارآمد بوده است؟ صادرات دریایی فاطمیان، شامل چه کالاهایی می‌شد و با کدام کشورها برقرار بود؟ نقش رودخانه نیل در سلامت اقتصاد مصر تا چه میزان بوده است؟ تأثیر تجارت دریایی بر میزان درآمد و مالیات دریافتی ناشی از آن، تا چه اندازه بوده است؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مقالات مرتبط با تجارت دریایی ایرانیان و مسلمانان به صورت عام مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی به صورت اختصاصی در مورد تجارت دریایی فاطمیان، چیز زیادی نوشته نشده است. از جمله: «دریانوردی مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی» نوشته حسین قرچانلو^۱ که با نگاهی مرتبط با جغرافیای تاریخی و اکتشافی به این امر پرداخته است. مقاله «سیاست اقتصادی و ناکامی مذهبی فاطمیان در مغرب» نوشته زینب فضل‌ی که سیاست‌های دولت فاطمی در برقراری عدالت اقتصادی را در دوره‌ای که بر بخشی از افریقه حکومت داشته‌اند، ناکام دانسته است. محمد رضایی در مقاله‌ای با عنوان «عوامل رونق

1. Gharchanloo.



تجارت در دولت فاطمیان و پیامدهای آن بر افول بنادر فارس» بیشتر به روابط تجاری میان ایران و مصر اشاره دارد و تأثیرات این تجارت بر دو دولت را مورد بررسی قرار داده است. محسن رحمتی در مقاله «کم‌وکیف روابط تجاری میان ایران و مصر» موضوع تجارت فاطمیان را با توجه به قرار گرفتن این دولت در منتهی‌الیه جاده ابریشم، یعنی بنادر جنوبی مدیترانه، مورد بررسی قرار داده است. «منابع مالی دولت فاطمیان»، عنوان مقاله‌ای است از محمود خواجه میرزا که به اقتصاد دولت فاطمی و تأثیر آن بر بقای دولت ایشان پرداخته است. وجهه گل‌مکانی و همکاران در مقاله «تأثیرات اصلاحات اقتصادی الحاکم بامرالله» نگاهی به این تأثیرات اقتصادی، بر دوره خلفای بعد فاطمی داشته و آن را مایه بهبود وضعیت اقتصادی دولت فاطمی، به‌ویژه در دوره المستنصر دانسته است. «بررسی تجارت مسلمین در مدیترانه از قرن دوم تا ششم هجری» عنوان مقاله مصیب عباسی است که به نقش فاطمیان و امویان اندلس در تحولات اقتصادی و توسعه تجارت در حوزه مدیترانه اشاره دارد.

نقش دیوان‌ها در انسجام تجارت فاطمیان

میزان اهمیت اقتصاد در دولت فاطمی را از نوع دیوان‌های اولیه دایر شده می‌توان به‌خوبی تشخیص داد. فاطمیان به اهمیت دریافت مالیات برای اداره حکومت واقف بودند. کثرت و تنوع انواع مالیات‌های دریافتی که بسیاری از آنها ابتکار خود فاطمیان بود، بیانگر میزان شناخت آنها نسبت به مسائل اقتصادی است؛ برای مثال، دیوان اموال که در حوزه مسائل اقتصادی، دیوانی بزرگ به‌شمار می‌آمد و کارهای پُر حجم مثل: بنای قصرها، قلعه‌ها، حفر کانال‌ها و اموری از این دست را بر عهده داشت. این دیوان، به دو بخش تقسیم می‌شد؛ دیوان مربوط به نواحی مختلف سرزمین مصر که به نام «دیوان اعمال» معروف بود و دیوان مربوط به فسطاط و قاهره که به نام «دیوان الباب» شناخته می‌شد. دیوان اعمال، متولی ساخت بناها و کانال‌ها و نظیر آن بود.^۱ امور مربوط به اوقاف، در دیوان احباس که زیر مجموعه دیوان اموال بود، رسیدگی می‌شد. دیوان حشر، به اموال مردگان بی‌وارث می‌پرداخت و دیوان مفرد نیز وظیفه مصادره اموال امیران و اشرافی را داشت که مورد خشم خلیفه قرار می‌گرفتند.^۲

۱. النابلسی، کتاب لمع القوانين المضیئة، ص ۲۸.

۲. ابن الطویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، ص ۱۰۱.





ابداع بسیاری از مالیات‌ها، توسط یعقوب ابن کلس (م. ۳۸۰ ق) که به حکم جوهر صقلی (م. ۳۸۱ ق) سرپرست دیوان خراج شده بود، انجام می‌شد. وی نظام اداری - مالی خاصی در مصر دایر نمود. شرایط اقلیمی مصر و بهره‌برداری از نیل، ارتباط تجاری از طریق مدیترانه و دریای سرخ با همسایگان و شرق دور، وجود معادن و مهم‌تر از همه کشاورزی پُرونق مصر و مالیات‌های گوناگونی که از گروه‌های مختلف جامعه مصر اخذ می‌شد، موجب رونق اقتصادی در مصر شد.

در دوره فاطمی، ثروت بیشتر در دست حاکمان، والیان و خاندان آنها و تا حدی در دست کسانی بود که در بقای حکومت تلاش می‌کردند. زمانی که المعز فاطمی (۳۴۱-۳۶۵ ق) از افریقه به سرزمین مصر نقل مکان کرد، گوشه‌هایی از ثروتش را برای مردم مصر، نمایش داد. مردم از حسب و نسب المعز می‌پرسیدند. المعز در مقابل، طلای فراوانی میان مردم توزیع نمود و گفت این، نسب من است.^۱ وی با خود ثروت کلانی را که بر پانصد شتر حمل می‌شد، از افریقه به مصر آورد.^۲

بنای قصرهای زیبا، مساجد جامع، راه‌ها، بازارها و بسیاری از بناهای باشکوه دیگر، خود دلالت بر این امر دارد که فاطمیان به راه‌های کسب درآمد و به تبع آن، فراهم کردن امکانات لازم برای شهروندان خود، اهمیت می‌دادند. این جلال و شکوه، در دوره العزیز فاطمی (۳۸۵-۳۶۵ ق) به نهایت درجه خود رسید و ثروت او از ثروت پدرش فزونی گرفت. ابن تغری بردی (م. ۸۷۴ ق) شرح مفصلی از گنجینه‌های المستنصر (۴۲۸-۴۸۷ ق) که در قحطی سال ۴۶۰ ق از خزانه‌های او خارج شد، آورده است:

«... از جمله صندوقی زمردین که سیصد هزار دینار ارزش داشت و به پانصد دینار فروخته شد و سنگ‌های گران‌قیمت که بیش از هشتصد هزار دینار ارزش داشت و به هزار دینار به حراج رفت.»^۳

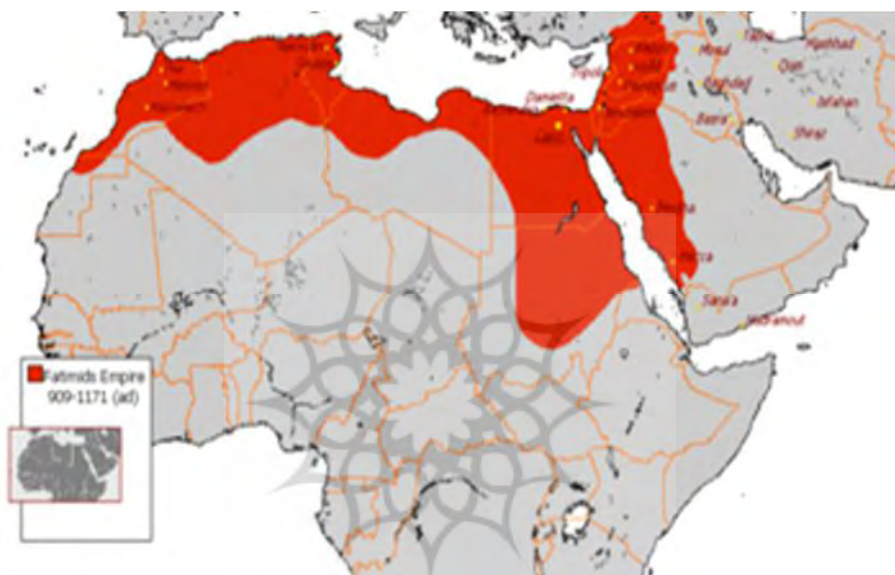
۱. رزق‌الله ایوب، تاریخ الفاطمی الاجتماعي، ص ۱۰۶.

۲. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳. همان، ص ۱۴.



فاطمیان برای بقای حکومت خود در منطقه وسیعی از شمال آفریقا و مصر و مواجهه سیاسی و فرهنگی با سایر دولت‌های مسلمان مدعی خلافت بر دنیای اسلام، از جمله عباسیان و امویان اندلس و همچنین امپراتوری بزرگ روم، به این ثروت و تداوم آن نیاز داشتند. به همین دلیل، پیوسته سعی می‌کردند بر رونق تجارت خود بیفزایند و با کسب ثروت از این طریق، برای شهروندان خود امنیت و آسایش فراهم نمایند تا در نتیجه، به بقا و توسعه حکومت خود کمک نمایند.



گستره سلطه فاطمیان در: آفریقه، مصر، شام و حجاز

تجارت دریایی فاطمیان با همسایگان و مشرق زمین

فاطمیان از همان ابتدای تسلط بر مصر، متوجه اهمیت تجارت، چه به لحاظ درآمد و چه به لحاظ بسط نفوذ سیاسی فرهنگی خود بودند. موقعیت جغرافیایی مصر و واقع شدن آن در حوزه مدیترانه و برسر راه مغرب به مشرق، به‌ویژه راه دریایی اروپا به شرق دور، موقعیت ممتازی برای این سرزمین در صحنه تجارت و سیاست خارجی ایجاد نمود. فاطمیان با استفاده از این امتیاز، مصر را به‌عنوان مرکز تجارت دریایی بین‌المللی قرار دادند. آنها برای توسعه این تجارت در حوزه مدیترانه، دریای سرخ، نیل و شرق دور که می‌توانست ثروت کلانی عایدشان کند، از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. آنها اقدام به حفر کانالی بین نیل و





دریای سرخ نمودند. این کانال، در دوره حکومت المستنصر فاطمی (۴۸۷-۴۲۸ق) به «خلیج الحاکمی» مشهور بوده است.^۱

تجار و دریانوردان فاطمی، شبکه وسیعی از روابط تجاری، به ویژه با اروپا و هندوستان فراهم آوردند. به این ترتیب، تجارت سایر مسلمانان به تدریج از عراق و خلیج فارس متوجه مصر و دریای سرخ شد.^۲ فاطمیان در حوزه مدیترانه، بر سیسیل^۳ نیز حکومت می کردند. مرزهای این جزیره و سایر جزایر شمالی مدیترانه و قسمت های شمالی شام با امپراتوری بیزانس، محل رویارویی نظامی ایشان بود.^۴

فرما^۵ و اسکندریه،^۶ از مراکز مهم تجاری بین شرق و غرب محسوب می شدند. کشتی ها در نزدیکی فرما لنگر می انداختند و کالای آن با چهارپا به اسکندریه حمل می شد و از راه نیل، به فسطاط یا قاهره انتقال می یافت و از طریق دریای سرخ، به هندوچین صادر می شد. بازرگانان در بازگشت از شرق دور، کالاهای مشرقی مثل: مشک، عود، کافور و دارچین را به همراه می آوردند و سود کلانی می بردند.^۷

تجارت با سودان، از طریق اسوان^۸ برقرار بود. تاجران مصری طرف معامله با سودان، عادت داشتند از مصر خارج نشوند. بنابراین، تاجران نوبه و سودان، با کشتی از طریق نیل، کالای خود را به اسوان می بردند.^۹ از قرن دوم هجری، در پایتخت مصر عده بسیاری مهاجر ایرانی نیز حضور داشته اند که شهادت آنها در محکمه ها پذیرفته می شد و این، اعتباری برای ایرانیان بود. معروف ترین تاجران ایرانی، ابوبکر محمد بن علی مادرایی^{۱۰} کرمانشاهی بود که در مصر املاکی به ارزش چهارصد هزار دینار داشت.^{۱۱}

روستای کوه اسوان و مطالعات فرشی

۱. رمضان، تاریخ مصر الاسلامیة، ص ۲۲۴؛ الوردانی، الشیعة فی مصر، ص ۲۹.

۲. مقدسی، أحسن التقاسیم، ص ۱۹۹؛ کحاله، العالم الاسلامی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. Sicily: جزیره ای در شمال دریای مدیترانه.

۴. معزی، تاریخ حمدانیان و فاطمیان، ص ۲۳۳.

5.Farma.

6.Alexandria.

۷. ماجد، تاریخ الخلافة الفاطمیة، ص ۱۹۶؛ ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی والدینی والتقافی والاجتماعی، ج ۳، ص ۳۳۴.

8.Aswan.

۹. ماجد، تاریخ الخلافة الفاطمیة، ص ۱۹۹؛ متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۲۲۴.

10.Madraei.

۱۱. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ج ۳، ص ۴۱.



فاطمیان در عیذاب که رومی‌ها به آن کاستروم^۱ می‌گفتند، بندر دریایی معتبری برای ارتباط با هند و جنوب شرقی آسیا ایجاد کردند. آنها سعی داشتند در پوشش تجارت، عقاید و قدرت خویش را در این مناطق توسعه دهند.^۲ در شهرهای بزرگ مصر و شام و در دوسوی خیابان‌ها، بازارهایی برای کسب و تجارت دایر بود.^۳ آنها در اوایل خلافت خویش، به تجارت دریایی و زمینی با غرب متمرکز شدند؛ در حالی که عباسیان امتیاز انحصاری تجارت شرق را حفظ کردند. به گفته ناصر خسرو (م. ۴۶۸ق) مصر، ناوگانی تجاری در طرابلس برای تجارت با یونان، اسپانیا و فرانسه داشت. او همچنین از نظارت مصری‌ها بر سیسیل و تجارت کتان با این جزیره گزارش می‌دهد.^۴ امپراتوری مصر در شمال آفریقا، مناسبات دوستانه‌ای با بیزانس و مناطق تحت نفوذ آن در سواحل سوریه داشت که به تجارت دریایی مصر با اروپا کمک می‌نمود.^۵

فاطمیان، در یمن و منطقه سند داعیانی داشتند که می‌توانستند تجارت دریایی در این منطقه را تسهیل نمایند؛ ولی بیشتر مراقب بودند که وارد یک رقابت جدی در زمینه تجارت با عباسیان نگردند و در عین حال، به استقرار حکومتی همفکر در بغداد، یعنی آل‌بویه راضی بودند. به گفته ابن حوقل (م. ۳۶۷ق) تجارت مصریان با چین و هند، از قرن سوم و از طریق دریای سرخ برقرار بوده است.^۶

بخشی از رونق تجارت فاطمیان، مربوط می‌شد به ایجاد اماکنی برای تجارت و استراحت مسافران و تاجران خارجی.^۷ رونق تجارت با همسایگان از طریق دریا و خشکی، می‌توانست مشاغل وابسته را توسعه و رونق دهد. گسترش تجارت بین‌المللی در مصر و باز شدن بازارهای جدید بر روی مصریان، و از طرفی ثروت بی‌کران دربار فاطمی، موجب شکوفایی و رونق بخش‌های گوناگون صنعت و تجارت در مصر شد. آنها شاخه‌های جدید

1. Castrum.

۲. آربری، تاریخ اسلام کبریج، ص ۲۵۷.

۳. ماجد، تاریخ الخلافة الفاطمية، ص ۱۹۵؛ منز، الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري، ص ۲۱۵.

۴. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۸۵-۱۷.

۵. رمضان، تاریخ مصر الاسلامية، ص ۳۲۲.

۶. ابن حوقل، ایران در صورة الأرض، ص ۶۱.

۷. ماجد، تاریخ الخلافة الفاطمية، ص ۱۹۶.





صنعت را ایجاد نمودند و در واقع، درآمد و ثروتی که از این طریق عاید مصر می‌شد، موجبات توسعه و شکوفایی شهرها و رضایتمندی شهروندان و پایداری اقتصادی و سیاسی حکومت را فراهم می‌آورد.

تجارت با صلیحیان یمن (۴۳۹-۵۳۲ق) که مورد حمایت فاطمیان بودند نیز برقرار بود. بر اثر تلاش‌های صلیحیان، مذهب اسماعیلیه به شکل گسترده در یمن و اطراف آن انتشار یافت. فاطمیان به رابطه با صلیحیان، هم برای توسعه دعوت و هم تجارت دریایی با هند و شرق دور نیاز داشتند؛ زیرا آنها عدن و باب‌المنذب را در اختیار داشتند که شاه‌رگ تجارت دریایی حوزه مدیترانه و دریای سرخ با هند و شرق دور بود. فاطمیان از این فرصت به خوبی استفاده می‌کردند و با حمایت پیوسته سیاسی از صلیحیان، به گسترش فعالیت داعیان خود در شبه‌جزیره هند و توسعه تجارت دریایی با هند و چین، اقدام نمودند.^۱ تجارت با هند و شرق دور نشان می‌دهد آنها قدرت و امکانات دریایی لازم برای توسعه سرزمین‌های تحت سلطه خود را داشته‌اند.

صادرات دریایی فاطمیان

نتیجه طبیعی توسعه دریانوردی و تجارت دریایی بین‌المللی فاطمیان، توسعه کسب‌وکارهای مرتبط و افزایش تولید کالاهایی بود که می‌بایست به اقصی نقاط دنیا صادر شود. به موازات توسعه صادرات، واردات کالا نیز افزایش یافت و این امر، مایه رونق کسب‌وکارهای جدید شد. فاطمیان تولیدات صنعتی، صنایع دستی و محصولات کشاورزی خود را علاوه بر خشکی، از طریق دریا نیز صادر می‌کردند و در سال‌هایی که با قحطی مواجه بودند، واردکننده می‌شدند. گسترده‌ترین تجارت دریایی آنها، در مدیترانه و با امپراتوری روم شرقی برقرار بود.^۲ این تجارت دریایی، زمانی توسعه یافت که آنها بسیاری از شهرهای ساحل مدیترانه شرقی را به تصرف خود درآوردند و حتی از طریق دریای سرخ و اقیانوس هند، تجارت دریایی با ایران، هند و شرق دور را برقرار نمودند. علاوه بر این، از نیل به‌عنوان شاه‌رگ حیاتی مصر در طول قرون، جهت رونق تجاری و نقل‌وانتقال کالا به سودان و نوبه، سود می‌جستند.

۱. همان.

۲. رمضان، تاریخ مصر الاسلامیه، ص ۳۲۰.



از مهم‌ترین صنایعی که در این دوره رونق یافت، صنعت بافندگی بود که تقریباً به همه نقاط چه از طریق دریا و چه خشکی صادر می‌شد. بافندگی، صنعت خانگی مصر به شمار می‌آمد. زنان، کتان می‌رشتند و مردان می‌بافتند و تاجران قماش، روزانه به آنها اجرت می‌دادند. شهرهای تنیس^۱، دمياط^۲ و نواحی اطراف آن، به تولید پارچه مشهور بودند. هم‌زمان صنعت سجاده‌بافی در شهر اسیوط رواج یافت. در این شهر، سجاده‌هایی شبیه سجاده‌های ارمنی بافته می‌شد. کتان، پارچه اختصاصی مصر بود و مهم‌ترین کشتزارهایش در فیوم^۳ قرار داشت و به بیزانس^۴، فارس و سایر نقاط، از طریق دریا و خشکی صادر می‌شد. مشتری همیشگی پارچه‌های مشهور به بوقلمونی که در تنیس^۵ بافته می‌شد، بیزانس بود و مشتری همیشگی کتان، سیسیلی‌ها بودند. مدیترانه، محل ترانزیت محصولات مصر به اروپا بود. امپراتوری روم شرقی و فارس، از خریداران عمده و همیشگی پارچه‌های مصری بودند.^۶ بخور و عود را از شرق دور به مصر می‌آوردند. تجارت پوست، رواج کامل داشت و از بلاد زنگبار و از طریق دریا، به غرب آسیا صادر می‌شد. صنایع وابسته به پوست مثل چرم‌سازی نیز رواج داشت. این صنعت را مصریان از مردم زنگبار آموختند.^۸

صادرات و تجارت دریایی سنگ‌های زینتی و قیمتی نیز میان بازرگانان فاطمی و رومی برقرار بود. در صعید مصر، معدن سنگ شب وجود داشت که آن را به سواحل اسیوط می‌بردند و از طریق نیل و با کشتی، به اسکندریه حمل می‌کردند و به بازرگانان رومی می‌فروختند. در صحرای غرب دره نیل، نیترون که نوعی سنگ سرخ و سفید بود، یافت می‌شد. از این سنگ، سالی ده هزار قنطار معادل چهارصد و پنجاه هزار کیلو، از معادن

1. Tennis.

2. Damietta.

۳. عثمان، الاسماعیلیة بین الحقائق والأباطیل، ص ۳۶۰.

4. Faiyum.

5. Byzantine.

۶. tennes: شهری در بخش دلتای شرقی نیل.

۷. رمضان، تاریخ مصر الاسلامیة، ص ۳۲۴.

۸. متز، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، ص ۱۸۴.





استخراج می‌شد.^۱ نیرون یا نیترو، واژه ای عبری یا مصری است؛ به معنای جوشان که به دلیل کاربرد آن در تهیه باروت، خواهان زیادی در سراسر دنیا داشت و معادن مصر و مراکش آن، شهرت جهانی داشته است.^۲ معادن طلای وادی العلاقی در صحرای سوزان صعید، بین اسوان و عیذاب قرار داشت و مهم‌ترین مرکز جویندگان طلا به شمار می‌آمد. آنها در شب‌های نیمه‌مهتابی در صحرا می‌گشتند و جاهایی را که می‌درخشید، تل انبار نموده، نشان می‌کردند و صبحگاهان کومه‌های ریگی را که علامت زده بودند، برای شست‌وشو می‌بردند و طلای آن را استخراج می‌کردند.^۳ معادن زمرد مصر، در بیابان نزدیک صعید قرار داشت. آنها کوه را می‌کنند و زمرد را از اعماق آن استخراج می‌نمودند.^۴ فاطمیان، معادن را جزء بیت‌المال می‌دانستند و آنها را اجاره می‌دادند.^۵ صنایع دیگری از جمله شیشه‌گری و سفالگری نیز بسیار رواج داشت و آن‌قدر توسعه یافت که پیشه‌وران، کالاهای خود را در این‌گونه ظروف در معرض فروش می‌گذاشتند.^۶

فاطمیان، رفتار نیل را به لحاظ آبدهی می‌شناختند و زمانی که احتمال قحطی افزایش می‌یافت، به واردات غله اقدام می‌نمودند. غله مورد نیاز، از ساحل مقس^۷ درحاشیه نیل، به‌وسیله قایق، باربر و چهارپا به سیلوهای به نام «الاهراء الخلیفه» آورده و ذخیره می‌شد تا شهروندان با قحطی مواجه نشوند.^۸

تشکیلات و گستره تجارت دریایی فاطمیان

اهمیت دریانوردی برای فاطمیان، به حدی بود که برای آن اقدام به تأسیس دیوانی به نام «اسفل الأرض» نمودند. این دیوان، به کلیه امور دریایی و دریانوردان و تجارت دریایی،

۱. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۴، ص ۸۳.

۲. دانایی، کانی‌شناسی یا شناخت مواد معدنی، ص ۲۸۸؛ جودفن، زمین‌شناسی فیزیکی، ص ۱۹۹.

۳. ماجد، السجلات المستنصرية، ج ۲، ص ۲۱؛ متر، الحضارة الاسلامية فی القرن الرابع، ص ۱۸۴.

۴. بی‌نام، حدود العالم، ص ۷۲.

۵. النابلسی، کتاب لمع القوانين، ص ۴۸.

۶. همان؛ ماهر محمد، الفن الاسلامية، ص ۱۵۸.

۷. Meqs: بندری بر ساحل نیل که محل مقیاس نیل در دوره فاطمی بوده است.

۸. ماجد، السجلات المستنصرية، ج ۲، ص ۲۶.





رسیدگی می‌کرد. تأسیس دیوان‌هایی مهم و مستقل برای امور دریایی، خود نشانگر این است که آنها به‌خوبی به اهمیت دریانوردی و تجارت دریایی واقف بوده و سعی داشتند از این ظرفیت، برای سلطه سیاسی و تجاری خود بهترین استفاده را ببرند. در اواخر دوره فاطمی، دیوانی به نام «اسطول» برای رسیدگی به امور نیروی دریایی و تشریفات مرتبط با آن، دایر شد و بودجه هنگفتی به آن اختصاص یافت؛ زیرا نیروی دریایی، برای توسعه مملکت فاطمی، عامل بسیار مهمی به‌شمار می‌آمد.^۱

علاوه بر تجارت دریایی، کشتی‌های فاطمی در: نیل، خلیج‌ها و کانال‌های حفرشده، رفت‌وآمد داشته، به تجارت با همسایگان از جمله: سودان، نوبه، زنگبار و حبشه مشغول بودند. از زنگبار، عاج فیل و از حبشه، پوست پلنگ وارد می‌کردند.^۲ از تیس و اسکندریه در ساحل مدیترانه، میوه وارد می‌شد و پارچه‌های کتانی، با کشتی به سیسیل^۳ صادر می‌گشت.^۴ نیل، شاهراه تجارت داخلی مصر بود. قسمت قابل‌کشتیرانی نیل، ناحیه جنوبی آن بود. تجار نوبه و سودان، با کشتی در نیل حرکت کرده و در قسمتی که سنگلاخ بود، بار خود را پیاده کرده، بر شتران می‌نهادند و پس از طی دوازده منزل از اسوان، دوباره به نیل می‌رسیدند.^۵

ناصر خسرو درباره کشتی‌های لنگرانداخته در خلیج قاهره می‌نویسد:

«و بیست و یک کشتی بود از آن سلطان که آگیری نزدیک قصر سلطان ساخته بودند؛ چندان که دو-سه میدان و آن کشتی‌ها هر یک را مقدار پنجاه گز طول و بیست گز عرض بود و همه را به تکلف با زر و سیم جواهر و دیباها آراسته که اگر صفت آن کنند، اوراق بسیار نوشته شود و بیشتر اوقات، آن کشتی‌ها را در آن آگیر، چنان‌که استر را در استرخانه، بسته بودند.»^۶

از این سخن ناصر خسرو (م. ۴۶۸ق) چنین برداشت می‌شود که عمده تجارت دریایی فاطمیان، در دست خلیفه و دولتمردان ایشان بوده است؛ زیرا تجار خُرد و یا مردم عادی، توان

۱. زیدان، احکام الذمیین والمستأمنین فی دار الاسلام، ص ۱۶۲.

۲. ماجد، السجلات المستنصرية، ج ۲، ص ۲۷.

3. Sicily.

۴. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۷۲.

۵. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۲۲۴.

۶. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۷۱.





به‌کارگیری چنین ناوگانی را نداشته‌اند. به‌علاوه، خلفای فاطمی به منظور حفظ موقعیت سیاسی، ترجیح می‌دادند این‌گونه امور را خود مدیریت نمایند و فقط بخشی از سود به مصارف عامه مردم می‌رسید. هر زمان مایحتاج مردم کم می‌شد، این ناوگان تجاری وارد عمل می‌گردید و با خریداری و انتقال غله و روغن از شهرهای ساحلی امپراتوری روم، مانع از گرانی ارزاق و گران‌فروشی کسبه می‌شد.^۱ به این ترتیب، نرخ کالا پیوسته کنترل می‌شد.

گندم، محصول استراتژیک مصر بود. آنها غله مورد نیاز را از ساحل مقس در حاشیه نیل، به‌وسیله قایق، باربر و چهارپا، به سیلوهایی به نام «الاهراء الخلیفه» می‌آوردند و به مصرف سپاه، ناوگان، مسجدها و کارگزاران دولتی می‌رساندند. این سیلوها، بین قاهره و فسطاط قرار داشت و میزان ذخیره آن، سیصد هزار اردب^۲ غله بود. سیلوهای سلطانی، با اسامی خاص مشخص شده بود؛ مثل: بغدادی، الفول و القرافه، و محل ذخیره غلات بود.^۳ در سال ۴۴۴ ق در یافتند که انبار کردن غلات، موجب زیان مسلمانان می‌گردد؛ زیرا در اکثر موارد، نرخ فروش غله تنزل می‌یافت و غله در انبارها می‌ماند. بنابراین، پیشنهاد شد که تجارتخانه‌ای در ناحیه سعید مصر ایجاد شود که بیم کاهش قیمت غله از بین برود و از انبار کردن: چوب، صابون، سرب و عسل و مانند آنها، درآمدی کسب شود. به این ترتیب، دیوان متجر یا «المتجر الدیوانی السعید» ایجاد شد که به امور مربوط به انبارکردن کالاها رسیدگی می‌کرد.^۴

ناوگان تجاری فاطمیان در مدیترانه و نیل

ضرورت مراعات حقوق شهروندی و از طرفی، حفظ آرامش سیاسی، چه در حوزه داخلی و چه خارجی، منجر به این شد که نیروی دریایی فاطمیان به تدریج جزایر: سیسیل،^۵ ساردنی،^۶ کرت،^۷ مالت و غیره را فتح کند و شهرهای ساحلی اروپا را به تصرف درآورد. فتح سواحل بیشتر، موجب گسترش تجارت دریایی فاطمیان در حوزه مدیترانه گردید.^۸

۱. ابن‌ممتی، کتاب قوانین الدواوین، ص ۳۲۳.

۲. معادل شصت و چهار صاع و یا ۱۹۲ کیلوگرم.

۳. ماجد، نظم الفاطمیین، ج ۲، ص ۲۶.

۴. مقریزی، اغائة الأمة بكشف الغمة، ص ۲۰.

5. Sicily.

6. Sardinia.

7. Crete.

۸. ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۵، ص ۱۷.



رفته‌رفته کشتی‌سازی، صنعت غالب مصر شد و کارگاه‌های کشتی‌سازی توسعه یافت. کشتی‌ها قادر بودند یکجا همه آدم‌ها و اثاثیه مردم بیت‌المقدس را به مصر آورند. فاطمیان در دریانوردی و تجارت دریایی، از انواع گوناگونی از کشتی‌ها بهره می‌بردند؛ از جمله: کشتی‌های بزرگ بدون طبقه به نام شَلندی؛ کشتی‌های بزرگی به نام حَمالات که وظیفه حمل ذخایر و مایحتاج مجاهدان را برعهده داشتند؛^۱ دَمایس که برای حمل غله و سایر خدمات مثل حمل و نقل سپاهیان به کار می‌رفت و بیشتر در رودخانه‌ها رفت‌وآمد می‌کرد؛^۲ کشتی‌های کوچکی موسوم به عَشاریات که فقط در نیل آمدو شد می‌کرد؛ کشتی‌های باربری جنگی بزرگی که پشت سر کشتی‌های کوچک حرکت می‌کرد و مُسَطّحات نامیده می‌شد و طراند که کشتی‌های کوچک تندرو بودند. الأغرَبه، کشتی‌هایی تندرو بودند که به‌سبب شباهت پیشانی کشتی به سر کلاغ، اَغرَبه نامیده می‌شدند.^۳

کارگاه‌های تعمیر و ساخت کشتی، به «دار الصناعه» مشهور بود. در این کارگاه‌ها، انواع کشتی‌های جنگی، تجاری یا کشتی‌های مخصوص خلیفه ساخته می‌شد. ترک‌ها به این کارگاه‌ها، تَرسانه می‌گفتند. فرنگی‌ها آن را از مسلمانان آموختند و کلمه «دار الصناعه» به زبان اسپانیولی «دار سینا» و سپس، فرانسویان کلمه «ارسنال» را از آن ساختند. نخستین دارالصناعه مصر، در اواخر قرن اول هجری قمری تأسیس شده بود.^۴ در دوره فاطمیان، نزدیک شهر قاهره در محلی موسوم به مِقَس،^۵ دارالصناعه جدیدی بنا کردند و در آن، کشتی جنگی و بارکشی می‌ساختند. کشتی‌های بارکشی، از بالای سعیدیه تا مصب نیل آمدو شد می‌کردند و گندم و سایر چیزها را حمل می‌نمودند؛ اما کشتی‌های جنگی، مخصوص کارزار بود و کمتر در نیل رفت‌وآمد داشتند.^۶ مرکز کشتی‌سازی مِقَس، در ایام المعز (۳۴۱-۳۶۵ق) ششصد کشتی ساخت. علاوه بر مِقَس، کارگاه‌های دیگری در دمیاط^۷ اسکندریه نیز ایجاد

۱. ابن ممتی، قوانین الدواوین، ص ۳۳۹.

۲. ماجد، السجلات المستنصریة، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. دندش، الأندلس فی نهاية المرابطين ومستهل الموحدين، ص ۱۴۹.

۴. زیدان، احکام الذمیین والمستمأمنین فی دار الاسلام، ص ۱۶۰.

۵. بندری بر ساحل نیل که محلّ مقیاس نیل در دوره فاطمی بوده است.

۶. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۴، ص ۱۰۴.

7. Damietta.





شد.^۱ مأمون البطاحی (م. ۵۲۲ق) در مقام وزیر الأمر باحکام الله خلیفه فاطمی دستور داد که کشتی‌هایی به نام «شوانی» و دیگر کشتی‌ها در کارگاه فسطاط ساخته شود.^۲

نقش نیل در رونق اقتصادی دولت فاطمی

فاطمیان از آغاز حکومت در مصر، به اهمیت فوق‌العاده نیل در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پی برده بودند و به همین دلیل، خلیفه فاطمی، المعز (۳۴۱-۳۶۵ق) به جهت اینکه جوهر صقلی (م. ۳۸۱ق) قاهره را اندکی دور از نیل ساخته بود، ناراحت بود.^۳ مصر بعد از بین‌النهرین، دومین مرتبه را به لحاظ آبادانی در سرزمین‌های اسلامی داشت.^۴ تجارت مصر، تا حد بسیاری به کشاورزی بستگی داشت و این تجارت، خود متأثر از بحران‌هایی بود که با کاهش آب نیل پیش می‌آمد و قحطی و رکود اقتصادی را با خود به همراه می‌آورد. در نتیجه، آنها را مجبور به واردات مایحتاج عمومی از سایر ممالک، به‌ویژه امپراتوری روم می‌نمود.^۵ فاطمیان به منظور کاهش آثار ناشی از طغیان نیل، به ساختن سدها و کانال‌های آب اقدام کردند. در قرن چهارم هجری، دو سد، یکی در عین‌الشمس^۶ به نام «خلیج امیرالمؤمنین» و دیگری در سردوس^۷ پایین‌دست عین‌الشمس ساختند. باز کردن این سدها، به این معنا بود که نیل، کم‌آب است.^۸ مهم‌ترین کانال، میان نیل و دریای سرخ حفر شد. در دوره افضل‌بن‌امیرالجبوش (م. ۵۱۵ق)، کانالی از نیل به شرق حفر شد که به نوبه خود، کمکی بزرگ برای کشاورزی مصر به شمار می‌آمد.^۹

متکی بودن کشاورزی مصر به فرا رسیدن موسم طغیان نیل، منجر به تعطیلی زراعت در فصل‌های باران‌زا می‌گشت. بنابراین، مصر به کشت زمستانی از دیگر نواحی ممتاز شده بود.

۱. الأنصاری، تاریخ النظمة الشرطة فی مصر، ص ۱۳۸؛ الشیال، مجموعة الوثائق الفاطمية، ص ۱۴.

۲. الماوردی، احکام السلطانية والولايات الدينية، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳. رزق‌الله ایوب، تاریخ الفاطمی السیاسی، ص ۱۸۶.

۴. اسمیت، مصر باستان، ص ۱۸.

۵. عثمان، الاسماعيلية بين الحقائق والأباطیل، ص ۳۶۲.

۶. منطقه‌ای در نزدیکی قاهره.

۷. یکی از هفت خلیج مصر.

۸. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۴۰۶.

۹. الوردانی، الشيعة فی مصر، ص ۲۹.



زمین‌هایی که آب آن را فرا نمی‌گرفت، بیاض و محصولاتی که نیاز به آبیاری نداشت، دیم خوانده می‌شد. طغیان آب نیل، تأثیر مهمی در رونق اقتصادی و تجارت مصر داشت؛ زیرا طغیان نیل، باعث می‌شد بسیاری از زمین‌ها را آب فرا گیرد و امکان کشاورزی را سلب نماید. بنابراین، آنها کانال‌ها و آبگیرهایی ساختند تا آب را در خود نگه دارد و زمانی که آب نیل پایین می‌رفت، از آب این کانال‌ها و آبگیرها برای کاشت محصولات استفاده می‌کردند.^۱ پس از برداشت محصولات زمستانی، اقدام به کشت تابستانی در زمین‌های دوسوی کانال‌های آب می‌کردند. آب را به وسیله ادوات کشاورزی، سطل و دولاب‌ها، به زمین‌های کشاورزی می‌رساندند. در زمین‌های پست مجاور کانال‌ها که آب آنها را فرا می‌گرفت، نیشکر و برنج کاشت می‌شد. مهم‌ترین محصولات زمستانی، گندم، شبدر و کتان و مهم‌ترین محصولات تابستانی، نیشکر، برنج، نیل، کنجد و اقسام میوه‌ها بوده است. در مصر محصولی به نام «قلقاس»^۲ به عمل می‌آمد که شبیه سیب‌زمینی بود. روغن چراغ، از بذر ترب و شلغم استخراج می‌گردید و «زیت حار» نامیده می‌شد.^۳

نقش مقیاس نیل در سلامت اقتصاد مصر

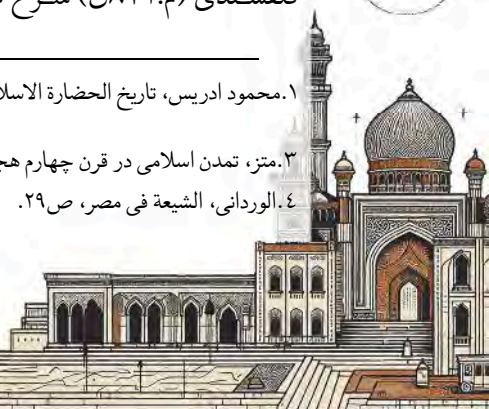
برخی منابع تاریخی، سابقه قحطی‌های مصر را به زمان حضرت یوسف علیه السلام هم می‌رسانند. در چنین سال‌هایی، فاطمیان مجبور بودند از طریق دریا و نیل مایحتاج مورد نیاز مردم را وارد کنند. این امر، موجب خسارت‌های فراوان به دولت و مردم می‌شد و اطمینانی به رومیان برای تأمین مایحتاج نیز نبود. به همین دلیل، فاطمیان به مقیاس نیل اهمیت ویژه‌ای دادند و برنامه جدیدی برای سنجش آب نیل طراحی نمودند که اخبار آن، به صورت محرمانه و پیوسته، فقط به خلیفه گزارش می‌شد تا بر اساس آن، تدابیری پیشگیرانه برای قحطی اتخاذ شود.^۴ قلقشندی (م. ۸۲۱ق) شرح مفصلی از تشریفات مقیاس نیل بیان می‌کند که مبتنی

۱. محمود ادریس، تاریخ الحضارة الإسلامية العصر الفاطمی، ص ۱۱۸.

2. Colocasia.

۳. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۱۶۹ و ۱۷۳.

۴. الوردانی، الشیعة فی مصر، ص ۲۹.





بر آمار و جداول سالیانه این مقیاس بوده است.^۱ رزق الله ایوب در تاریخ اجتماعی مصر این جداول را برای کلیه سال‌های خلافت فاطمی ترسیم نموده است.^۲

اولین مقیاس برای نیل در دوره اسلامی، توسط عبدالعزیز بن مروان (م. ۸۶ق) در حلوان احداث شد؛^۳ اما مقیاس مورد نظر ما، یعنی مقیاس بندر مقس در ساحل نیل، عبارت بود از ستونی سنگی از مرمر سفید هشت وجهی که ۲۲ ذراع ارتفاع داشت و هر ذراع، برابر ۱۲ درجه و هر درجه، به ۲۸ قسمت مساوی تقسیم می‌شد و هر قسمت، برابر با يك انگشت بوده است. قلقشندی (م. ۸۲۱ق) درباره مقیاس نیل می‌نویسد: «قبل از خلیفگان فاطمی، هنگام کم‌آبی یا پُرآبی نیل، آن را به مردم اطلاع می‌دادند؛ ولی در دوره فاطمی، زمانی که آب به حد کمال می‌رسید، آن را مخفیانه به اطلاع خلیفه و وزیر می‌رساندند؛ تا اینکه برای شانزده روز یکی - دو انگشت از خط نشانه تجاوز می‌کرد. آنگاه قاریان در جامع مقس مستقر می‌شدند و قرآن را ختم می‌کردند. هنگام صبح جارچیان خبر می‌دادند که خداوند متعال خواسته است نیل به تعهد خود وفا کند و سه روز جشن برپا می‌شد و آذوقه میان مردم توزیع می‌گشت.»^۴ مراقبت از مقیاس نیل، وظیفه دولت بود؛ زیرا ارتباط نزدیکی با حوادث اقتصادی و اجتماعی مثل: قحطی‌ها، دزدی‌ها و آشوب‌ها داشت. با کاهش آب نیل، غله و حبوبات نایاب و گران می‌شد. به همین دلیل، خلفای فاطمی مقیاس نیل را از مردم پنهان نگه می‌داشتند.^۵

با مشاهده جدول مقیاس نیل، می‌توان تشخیص داد که در چه سال‌هایی سرزمین مصر با خشکسالی یا آبادانی مواجه بوده است؛ برای مثال، در سال‌های: ۳۵۵، ۳۵۰، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۸۹، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۲۵، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۴۱، ۵۵۰ و ۵۵۴ق مصر در معرض خشکسالی بوده و سال‌های: ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶ و ۵۵۹ق، آبادترین سال‌ها بوده است؛ یعنی زمانی که ارتفاع آب نیل به ۱۸ و بالای ۱۸ ذراع می‌رسید.

۱. قلقشندی، صبح الأعشى، ج ۳، ص ۵۱۱.

۲. محمد رزق، الأطلس العمارة الاسلامیة والقبطیة بالقاهرة، ۲۰۰۲م.

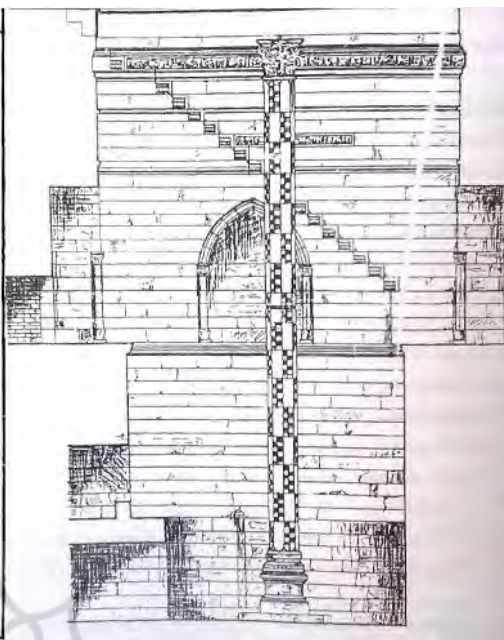
۳. رزق الله ایوب، التاريخ الفاطمی السیاسی، ص ۱۸۹.

۴. قلقشندی، صبح الأعشى، ج ۳، ص ۵۱۲.

۵. سامی باشا، تقویم النيل، ص ۹۷-۱۰۳.



سال	مقدار	فراخ	سال	مقدار	فراخ	سال	مقدار	فراخ
۱۸	۱۳	۵۱۹	۱۸	۱۴	۵۱۹	۱۷	۱۳	۴۹۵
۱۷	۱۸	۵۲۰	۱۸	۱	۵۲۰	۱۷	۱	۴۹۶
۱۷	۱۳	۵۲۱ ^(۱)	۱۷			۱۷	۱۳	۴۹۷
۱۸	۴	۵۲۲	۱۸	۳	۵۲۲	۱۶	۱۲	۴۹۸
۱۸	۴	۵۲۳	۱۸	۵	۵۲۳	۱۶	۱۲	۴۹۹
۱۷	۶	۵۲۴	۱۷	۴	۵۲۴	۱۹	۱	۵۰۰
۱۷	۲۰	۵۲۹	۱۶	۱۸	۵۲۵	۱۷	۱۸	۵۰۱
۱۶	۱۷	۵۳۰	۱۷	۱۰	۵۲۶	۱۷	۱۶	۵۰۲
۱۷	۸	۵۳۱	۱۷	۱۵	۵۲۷	۱۷	۵	۵۰۳
۱۸	۱۱	۵۳۲	۱۷	۲۳	۵۲۸	۱۷	۴	۵۰۴
۱۸	۱۰	۵۳۳	۱۸	۳	۵۲۹	۱۷	۴	۵۰۵
۱۴	۱	۵۳۴	۱۷	۷	۵۳۰	۱۸	۲	۵۰۶
۱۸	۱۰	۵۳۵	۱۷	۱۶	۵۳۱	۱۸	۲	۵۰۷
۱۸	۱۷	۵۳۶	۱۸	۱۲	۵۳۲	۱۷	۱۰	۵۰۸
۱۷	۴	۵۳۷	۱۸	۵	۵۳۳	۱۸	-	۵۰۹
۱۷	۸	۵۳۸	۱۶	۱۷	۵۳۴	۱۷	۶	۵۱۰
۱۸	۱۰	۵۳۹	۱۷	۱۲	۵۳۵	۱۷	۱۹	۵۱۱
۱۷	۱۸	۵۴۰	۱۶	۱۱	۵۳۶	۱۸	۴	۵۱۲
۱۷	۲۳	۵۴۱	۱۸	.	۵۳۷	۱۸	۷	۵۱۳
۱۶	۲۳	۵۴۲	۱۶	۹	۵۳۸	۱۸	۱	۵۱۴
۱۷	۲۳	۵۴۳	۱۸	۴	۵۳۹	۱۷	۵	۵۱۵
۱۶	۱۲	۵۴۴	۱۸	.	۵۴۰	۱۸	۳	۵۱۶
۱۲	۱۴	۵۴۵	۱۶	۲۰	۵۴۱	۱۸	۱۰	۵۱۷
۱۰	۲۱	۵۴۶	۱۸	۱۳	۵۴۲	۱۸	۱۴	۵۱۸
۲	۲۰	۵۴۷						



بخشی از جدول مقیاس نیل^۱ - نمای مقابل: مقیاس نیل در جزیره روضه^۲

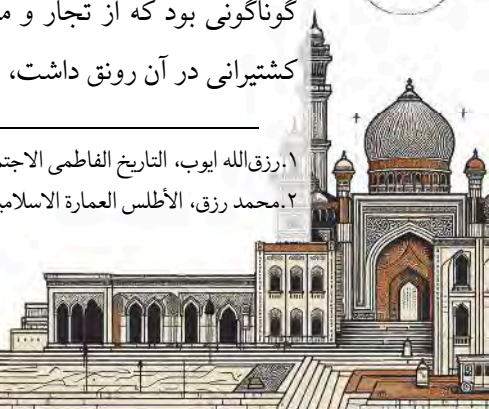
از جداول مقیاس نیل، یک دوره تناوبی خاص برای خشکسالی نمی‌توان استخراج نمود؛ ولی مشخص می‌گردد که به طور متوسط، هر ده تا دوازده سال، یک خشکسالی وجود داشته است. بزرگ‌ترین خشکسالی دوره فاطمی، در سال ۳۵۵ق مشاهده می‌شود که مقیاس نیل، ۱۲ ذراع را نشان می‌دهد و سال ۵۰۰ق که شاخص عدد ۱۹ ذراع را نشان می‌دهد، پُرآب‌ترین سال بوده است. در مجموع، اکثر سال‌ها مقیاس ۱۶ و ۱۷ ذراع را نشان می‌دهد که خود نشانگر طبیعی بودن میزان آب نیل، و در نتیجه، عادی بودن اوضاع اقتصادی مصر می‌باشد.

تأثیر تجارت دریایی بر افزایش مالیات‌ها و میزان درآمد

تجارت دریایی فاطمیان، از یک حیث دیگر نیز برای ایشان سودآور بود و آن، مالیات‌های گوناگونی بود که از تجار و مسافران اخذ می‌کردند. آنها در بنادر بزرگ سرزمین خود که کشتیرانی در آن رونق داشت، نظام مالیاتی خاص دریانوردی وضع کردند. این مالیات را به

۱. رزق‌الله ایوب، تاریخ الفاطمی الاجتماعي، ص ۱۹۲.

۲. محمد رزق، الأطلس العمارة الإسلامية والقبطية بالقاهرة، ۲۰۰۲م.





نام «خمس رومی» از بازرگانان بیزانس، جنوا و ونیز که به سرزمین‌های اسلامی می‌آمدند، به‌عنوان عوارض کمرکی اخذ می‌کردند که گاهی تا سی و پنج درصد میزان کالایشان می‌رسید و در برخی موارد، به بیست درصد تنزل می‌یافت.^۱ فاطمیان با بازرگانان خارجی غیر مسلمان یکسان رفتار نمی‌کردند و بنا بر اقتضای زمان و تحولات سیاسی و اقتصادی، مبلغ عوارض در نوسان بوده است. از بازرگانان ذمی در فسطاط و عیذاب، عوارض دریافت می‌شد.^۲

عیذاب در اواخر قرن پنجم، به اوج شکوفایی رسید و از همه جا کشتی‌هایی به آنجا رفت‌وآمد می‌کرد و تجارت افریقه به مشرق از آن می‌گذشت. حاجیان مصر بین سال‌های ۴۵۰ تا ۶۶۰ قمری از راه عیذاب می‌گذشتند و هر حاجی باید هشت دینار عوارض پرداخت می‌کرد.^۳ مالیاتی که به این ترتیب از کافران ذمی اخذ می‌شد، برابر یک‌دهم قیمت کالاهایشان بود که گاهی به یک‌بیستم کاهش می‌یافت و یا تا یک‌پنجم افزایش می‌یافت.^۴ تاجرانی که کالاهای مورد نیاز صنایع کشتی‌سازی، مثل چوب را وارد می‌کردند، مالیات کمتری می‌دادند و گاه به همان میزانی که در بندرهای کشورشان از تاجران مسلمان اخذ می‌شد، باید عوارض می‌پرداختند.^۵ اسکندریه، از مهم‌ترین بنادر مصر به شمار می‌آمد و همان عوارض عیذاب، در اسکندریه هم اخذ می‌شد.^۶ دولت فاطمی هنگام بروز بحران‌های اقتصادی، برای رفاه حال مردم، مالیات‌ها را می‌بخشید. در بحران گندم و غلات که در سال ۴۱۵ ق رخ داد، دستوری در فسطاط قرائت شد که مالیات از همه انواع غلاتی که به فسطاط وارد می‌شد، حذف گردید. این کار، موجب فراوانی نان در بازارها و پایین آمدن نرخ آرد شد.^۷

بنابراین، می‌توان دریافت که فاطمیان هم‌زمان با تجارت دریایی، تجارت در نیل و خشکی و کشاورزی، برای انواع گوناگون مالیات و عوارض برنامه‌های مدونی داشته‌اند و

۱. ابن‌مماتی، کتاب قوانین الدواوین، ص ۳۲۶.

۲. همان؛ قلقشندی، صبح الأعشی، ج ۳، ص ۴۶۶.

۳. ابن‌جبیر، سفرنامه ابن‌جبیر، ص ۷.

۴. قلقشندی، صبح الأعشی، ج ۳، ص ۴۵۹.

۵. ابن‌مماتی، کتاب قوانین الدواوین، ص ۳۲۶؛ ابراهیم حسن، تاریخ الإسلام السیاسی، ج ۳، ص ۲۹۶.

۶. ابن‌مماتی، کتاب قوانین الدواوین، ص ۳۲۷.

۷. المسبجی، اخبار مصر، ص ۷۵.



متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی، و همچنین در نظر گرفتن میزان آب نیل، مالیات‌ها را تعیین می‌کردند تا درآمدها نقصان نیابد و از طرف دیگر، آرامش جامعه که لازمه پایداری حکومت است نیز برقرار باشد.

فرجام تجارت دریایی فاطمیان

سلطه حکومت فاطمی بر مصر، مدیترانه و دریای سرخ، تا اوایل قرن ششم قمری برقرار بود. امنیتی که در دریا ایجاد نمودند، عامل اصلی رونق تجارت دریایی آنها بود. با آغاز جنگ‌های صلیبی، بسیاری از ممالک اسلامی، به‌ویژه برخی مناطق شام، به تصرف دشمنان در آمد. آنها بر طرابلس، عسقلان، صور و عکا تسلط یافتند و کلیه مرزهای سواحل شام و بیت‌المقدس را تصرف نمودند. این حملات دریایی، در سده پنجم هجری، زمانی که آل‌زیری^۱ (۳۱۹-۵۴۳ق) در شمال آفریقا به نیابت از فاطمیان حکومت می‌کردند، صورت گرفت. در این دوره، وضع نیروهای دریایی مصر و شام رو به ضعف و سستی نهاده بود و به نیروی دریایی هیچ اهمیتی داده نمی‌شد؛ حتی خدمه کشتی‌ها یا ناویانی که به فداکاران دین و سلحشوران راه خدا معروف بودند، از اهمیت افتادند؛ تا آنجا که کلمه ناوی یا اسطولی در مصر، ناسزا شمرده می‌شد و مردم از خدمت در ناوگان، سر باز زدند.

کاهش تسلط بر دریا، کاهش تجارت دریایی را به دنبال داشت. از طرف دیگر، درگیری‌های فاطمیان با صلیبیون، منجر به بی‌توجهی به تجارت دریایی و نادیده گرفتن آن شد. نتیجه بی‌توجهی به امور دریایی و به تبع آن به تجارت دریایی، فاطمیان را با کمبود درآمد ناشی از تجارت دریایی و اخذ مالیات‌های مرتبط با آن مواجه ساخت. آنها مجبور شدند مالیات‌ها را بی‌رویه بالا ببرند و مالیات‌های متعدد دیگری وضع نمایند. بروز قحطی در دوره مستنصر فاطمی (۴۲۷-۴۸۶ق) نیز مزید بر علت شد. از طرف دیگر، انشقاق فاطمیان پس از مستنصر به نزاری و مستعلوی نیز بر آشفتگی اوضاع افزود و زمینه را برای نفوذ سایر دولت‌های مدعی، در شام و مصر، به‌ویژه دولت نورالدین زنگی (۱۱۱۸-۱۱۷۴م) در شام فراهم ساخت. سرانجام صلاح‌الدین ایوبی (۱۱۳۷-۱۱۹۳م) که از طرف نورالدین بر مصر حکومت می‌کرد، اعلام استقلال نموده و دولت فاطمی را منقرض نمود.^۲

۱. آل‌زیری، سلسله‌ای از حاکمان صنهاجی آفریقای تونس کنونی بوده‌اند.

۲. قلقشنیدی، صبح‌الاعشی، ج ۳، ص ۴۶۰.





یافته‌ها و نتیجه

در تاریخ و تمدن اسلامی، فاطمیان منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. آنها در زمینه‌های اقتصادی و تجارت دریایی، دارای تشکیلاتی منسجم بودند و برای همه امور اقتصادی خود، نظاماتی وضع کرده و از این طریق، هم درآمدهای کلانی به دست آوردند و هم به قدرت سیاسی خود سروسامان دادند. فاطمیان، تجارت دریایی گسترده‌ای با امپراتوری روم، همسایگان و مشرق زمین ایجاد نمودند که خود موجب رونق کسب‌وکار و ایجاد مشاغل وابسته برای شهروندان مصری گردید. نظام مالیاتی کارآمد و اخذ عوارض گوناگون، موجب شکوفایی صنعت، تجارت و کشاورزی گردید و از طرفی، این امکان را برای آنها فراهم کرد تا اهداف سیاسی، فرهنگی و عقیدتی خود را دنبال نمایند. به این ترتیب، آنها توانستند با ایجاد اقتصادی شکوفا و پایدار، حاشیه امنی برای سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در سرزمین‌های اسلامی برای بیش از دوونیم قرن ایجاد نمایند.

اهمیت کشاورزی در رونق اقتصاد مصر و ارتباط آن با رضایتمندی و یا آشوب‌های مردمی ناشی از قحطی، موجب شد تدابیری برای حل مشکلات مربوط به کشاورزی اتخاذ نمایند؛ از جمله: احیای مقیاس نیل، ایجاد سدها، حفر کانال‌هایی‌هایی در حاشیه نیل که خود تدبیری مفید برای حل معضل خشکسالی و نشانگر توجه آنها به وضعیت معیشتی مردم و تأمین نیازهای غذایی آنها بوده است.

مصر در دوره فاطمیان، قدرت و ثروتی را به خود دید که قبل از آن کمتر دیده بود. سیادت آنها بر مدیترانه، تا اوایل قرن ششم ادامه داشت و کمک بزرگی بود برای این ادعایشان که تنها وارثان خلافتی می‌باشند که عباسیان و امویان اندلس نیز داعیه‌دار آن بودند. ولی از اواخر دوره مستنصر فاطمی (۴۲۸-۴۸۷ق) به دلیل تفرقه میان جانشینان او و سلطه ترکان و سیاهان و بی‌توجهی به مسائل اقتصادی، و از طرف دیگر آغاز جنگ‌های صلیبی، نشانه‌های ضعف فاطمیان پدیدار گشت. نتیجه مستقیم تنزل قدرت سیاسی در انتهای دوره فاطمی، تنزل اقتصادی و تجارت در دریا و خشکی و در نتیجه، نقصان درآمد و انحطاط حکومت آنها بوده است؛ تا اینکه صلاح‌الدین ایوبی (۵۸۹ق) با حمایت آل‌زنگ در شام، موجبات سقوط فاطمیان را فراهم ساخت.



- آربری، آ، ج، ۱۳۷۷، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه: احمد آرام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابراهیم حسن، حسن، ۱۴۱۱ق، تاریخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعي، قاهره، دار الفكر.
- ابراهیم حسن، حسن، ۱۹۶۴م، تاریخ الدولة الفاطمية في المغرب ومصر، قاهره، دار الفكر.
- ابن تغری بردی، جمال الدين، ۱۴۱۳ق، النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، ۱۳۳۶، ایران در صورة الأرض، ترجمه: جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، ۱۳۷۰، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه: پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۹، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن الطوير، ابو محمد، ۱۹۹۲م، نزهة المقلتين في اخبار الدولتين، النشرات الاسلامية.
- ابن ممتی، اسعد، ۱۴۱۱ق، كتاب قوانين الدواوين، القاهرة، مكتبة مدبولی.
- اسمیت، برندا، ۱۳۸۰، مصر باستان، ترجمه: آریتا یاسانی، تهران، انتشارات ققنوس.
- الانصاری، ناصر، ۱۴۱۰ق، تاریخ النظمة الشرطة في مصر، قاهره، دار الشروق.
- جودفن، لیت، ۱۳۶۸، زمین شناسی فیزیکی، ترجمه: فرید مر، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، ۱۴۰۸ق، الأزهر في الف عام، عالم الكتب بیروت، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية.
- دندش، عصمت عبداللطيف، ۱۴۰۸ق، الأندلس في نهاية المرابطين، بيروت، دار الغرب الاسلامی.
- دانایی، محسن منوچهر، ۱۳۵۲، کانی شناسی یا شناخت مواد معدنی، انتشارات دانشگاه مشهد.
- رزق الله ایوب، ابراهیم، ۱۹۹۷م، التاريخ الفاطمي الاجتماعي، لبنان، الشركة العالمية الكتاب.
- رزق الله ایوب، ابراهیم، ۱۹۹۷م، التاريخ الفاطمي السياسي، لبنان، الشركة العالمية الكتاب.
- رمضان، عبدالعظیم، ۱۹۹۳م، تاریخ مصر الاسلامية، مصر، الهيئة المصرية لاعامة الكتب.
- زیدان، جرجی، ۱۹۰۴م، تاریخ التمدن الاسلامی، مصر، مطبعة الهلال.
- زیدان، عبدالکریم، ۱۳۹۶، احکام الذميين والمستأمنين في دار الاسلام، بغداد، مكتبة القدس.
- سامی باشا، امین، ۱۳۳۴، تقويم النيل، قاهره، مطبعة الاميرية.
- الشیال، جمال الدين، ۱۴۲۲ق، مجموعة الوثائق الفاطمية، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.
- عثمان، هاشم، ۱۴۱۹ق، الاسماعيلية بين الحقائق والأباطيل، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- قبادیانی، ناصر خسرو، ۱۳۶۳، سفرنامه، با حواشی: دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
- قلقشندی، ابوالعباس، بی تا، صبح الاعشى في صناعة الانشاء، المؤسسة المصرية العامة والطباعة والنشر.
- کحاله، عمر رضا، ۱۴۰۴ق، العالم الاسلامی، الشركة المتحدة للتوزيع.





- مؤلف نامعلوم، ۱۳۷۲، حدود العالم، تصحیح: میراحمدی و ورهرام، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ماجد، عبدالمنعم، ۱۹۹۶م، تاریخ الحضارة الاسلامیة فی العصور الوسطی، مكتبة الانجلو المصریة.
- ماجد، عبدالمنعم، ۱۹۵۳م، السجلات المستنصریة، دار الفكر العربی.
- ماجد، عبدالمنعم، ۲۰۱۱م، تاریخ الخلافة الفاطمیة، عمان، دار الفكر.
- ماجد، عبدالمنعم، ۱۹۵۴م، نظم الفاطمیین ورسومهم فی مصر، مكتبة الانجلو المصریة.
- الماوردي، ابی الحسن علی بن محمد، ۱۴۱۶ق، احكام السلطانیة، بیروت، المكتب الاسلامی.
- ماهر محمد، سعاد، ۱۹۸۶م، الفن الاسلامیة، الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- متز، آدام، ۱۳۶۲، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه: علی رضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- متز، آدام، ۱۳۶۶، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، قاهره، مطبعة اللجنة التألیف.
- محمد رزق، عاصم، ۲۰۰۲م، الأطلس العمارة الاسلامیة والقبطیة بالقاهرة، بیروت، مكتبة مدبولی.
- محمود ادريس، محمد، ۱۹۸۶م، تاریخ الحضارة الاسلامیة العصر الفاطمی، القاهرة، بی نا.
- المسبحی، عزالملک محمد بن عبیدالله بن احمد، اخبار مصر، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی.
- مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۷۰، مروج الذهب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- معزی، مریم، ۱۳۹۰، تاریخ حمدانیان و فاطمیان، تهران، انتشارات سمت.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان ایرانی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد، ۱۴۰۸ق، احسن التقاسیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مقدسی، شهاب الدین عبدالرحمن، ۱۹۹۸م، الروضتین فی اخبار الدولتین، مطبعة دار الکتب المصریة بالقاهرة.
- مقریزی، تقی الدین احمد، ۱۹۵۷م، اغاثة الأمة بکشف الغمّة، قاهره، مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر.
- مقریزی، تقی الدین احمد، ۱۴۱۸ق، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- النايلسی، عثمان بن ابراهیم، بی تا، کتاب لمع القوانین المضمینة فی دوانین الدیار المصریة، بی نا.
- الوردانی، صالح، ۱۴۱۴ق، الشیعة فی مصر، مكتبة مدبولی الصغیر





References

The Holy Quran.

Arbery, A. C. (1998). History of Islam of Cambridge (Ahmad Aram, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publications.

Ebrahim Hassan, H. (1990). The political, religious, cultural and social history of Islam. Cairo: Dar al-Fekr.

Ebrahim Hassan, H. (1964). History of the Fatimid state in Morocco and Egypt. Cairo: Dar al-Fekr.

Ibn Taghri Bardi, J. (1992). Al Nojum al- zaherah fi moluk al- Mesr va al- Qaherah. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.

Ibn Hoqul, A. Q. M. (1957). Iran in the image of the earth (Jafar Sho'ar, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publications.

Ibn Jobair, M. I. A. (1991). Ibn Jobair's travel book (Parviz Atabaki, Trans.). s.l. Astan Qods Razavi Publications.

Ibn Khaldun, A. R. (1990). Introduction (Mohammad Parvin Gonabadi, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi Publications.

Ibn al-Towair, A. M. (1992). Nezhat al-moqalatayn fi akhbar al-dowlatain. s.l. Al-Nashr al-Eslamiyah.

Ibn Mamati, A. (1990). Rules of dawawin. Cairo: Madbouly Library.

Smith, B. (2001). Ancient Egypt (Azita Yaseri, Trans.). Tehran: Qoqnus Publications.

Al-Ansari, N. (1989). Tarikh al nazm al shortah fi Mesr. Cairo: Dar al-Shorouk.

Jodvin, L. (1989). Physical geology (Farid Mor, Trans.). Shiraz: Shiraz University Publications.

Khafaji, M. A. M. (1987). Al-Azhar fi alfe aam, Alam al-kotob Beirut. Cairo: Al-Azhar Colleges Library.

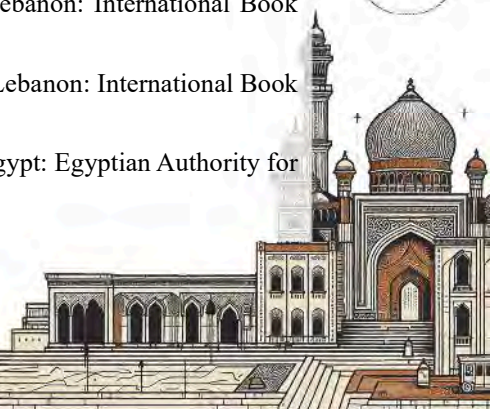
Dandash, E. A. L. (1987). Andolos fi nahayat al marabatein. Beirut: Dar al-Qarb al-Eslami.

Danaei, M. M. (1973). Mineralogy or the earthen identification of materials. Mashhad University Publications.

Rizkalleh Ayoub, E. (1997). Fatimid's social history. Lebanon: International Book Company.

Rizkalleh Ayoub, E. (1997). Fatimid's political history. Lebanon: International Book Company.

Ramazan, A. A. (1993). The history of Islamic Egypt. Egypt: Egyptian Authority for Public Books.





- Zeidan, J. (1904). History of Islamic civilization. Egypt: Al-Helal Publications.
- Zeidan, A. K. (2017). Akhbar al zemiyn va al mostamenin fi dar al- islam. Baghdad: Maktabat al-Qods.
- Sami Pasha, A. (1955). Nile calendar. Cairo: Al-Amiriyah Publications.
- Al-Shayyal, J. (2001). Majmuat al- vasaqat al Fatemiyah. Cairo: Religious Culture Library.
- Othman, H. (1998). Ismailites between truths and falsehoods. Beirut: Al-A'lami Publications.
- Qubadiyani, N. Kh. (1984). Travel book. Tehran: Zavar Publications.
- Qalqashandi, A. A. (n.d.). Sobh al-a'sha fi sana'at al ansha'. Egyptian General Institute Publications.
- Kahhala, O. R. (1983). The Islamic world. United Distribution Company.
- Unknown Author. (1993). Borders of the world (Ed. Mirahmadi & Warharam). Tehran: Al-Zahra University Publications.
- Majed, A. M. (1996). History of Islamic civilization in the middle ages. Anglo-Egyptian Library.
- Majed, Abdol M. (1953). Al-mostansiriyah records. Dar al-Fekr al-Arabi.
- Majed, A. M. (2011) History of Fatimid Caliphate. Oman: Dar al-Fekr.
- Majed, A. M. (1954). Fatimid systems and their traditions in Egypt. Anglo-Egyptian Library.
- Al-Mawerdi, A. A. I. M. (1995). Ahkam al-soltaniyah. Beirut: Al-Maktab al-Islamic.
- Maher Mohammad, S. (1986). Al- fan al- eslamiyah. Egyptian Authority for Public Books.
- Metz, A. (1983). Islamic development in the fourth century (Ali Reza Zekawati Qaragozlu, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publications.
- Metz, A. (1987). Islamic civilization in the fourth century after Hijrah. Cairo: Jannat al-Ta'lif.
- Mohammad Rezq, A. (2002). Atlas al Emarat al eslamiyah va al- Qobtiah be al- Qaherah. Beirut: Madbouly Library.
- Mahmoud Edris, M. (1986). History of Islamic civilization in Fatimid era. Cairo: Anonymous.
- Al-Mesabehi, E. M. M. I. O. I. A. (n.d.). News of Egypt. Cairo: French Scientific Institute.





- Masoudi, A. H. (1991). *Moravej al-zahab*. Tehran: Elmi Farhangi Publications.
- Moezzi, M. (2011). *History of Hamdanids and Fatemids*. Tehran: SAMT Publications.
- Modaddasi, A. A. M. (1982). *Ahsan al-taqasim* (Ali Naqi Monzavi, Trans.). Tehran: Iranian authors' company.
- Modaddasi, A. A. M. (1408). *Ahsan al-taqasim*. Beirut: Ehya al Torath al Arab.
- Moqaddasi, Sh. A. R. (1998). *Al-rowzatain fi akhbar al-dowlatain*. Cairo: Dar al-Kotob al-Mesriyah.
- Moqrizi, T. A. (1957). *Relief of ommah by revealing the distress*. Cairo: (s.l.).
- Moqrizi, T. A. (1997). *Al-mavaez va al-e'tebar be zekr al-khotat va al-asar*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah.
- Al-Nabulsi, O. I. E. (n.d.). *luminous laws in the writings of the Egyptian lands*. s.l.
- Al-Wardani, S. (1993). *The Shiites in Egypt*. Maktab al-Madbouly al-Saqir.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

